



بررسی شک در نظام فکری دکارت

زهرا پاک سیرت^۱، امین کارگر^۲

۱. دانشجویی دکتری فلسفه دانشگاه تهران

۲. دانشجویی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی فسا

چکیده

شک، تنها بستری را برای رسیدن اندیشمند دکارتی به مبنایی یقینی فراهم می‌آورد تا او بتواند عمارت جدید معرفتی مدنظر خویش را بر این مبنا پی بيفکند. درواقع، دکارت از شک بهره می‌گیرد تا به یاری آن بتواند راه را برای کاربرست روش تحلیل در حوزه مابعدالطبیعه هموار سازد. دکارت به‌رغم اینکه در روزگار خود و حتی بعدها متهم به شکاکیت بود اصلاً شکاک نبود؛ بلکه او شک را همچون وسیله‌ای برای غایتی به کار می‌برد. او هرکجا از فلسفه و مابعدالطبیعه حقیقی سخن می‌گوید مخاطب را به پاک‌سازی ذهن از هرچه که می‌شود کمترین تردیدی در آن کرد، فرامی‌خواند. آنچه باید به آن توجه داشته باشیم این است که شک و شکاکیت تنها تا مرحله‌ای کار آیی دارد که ما به کمک آن به مبنای مستحکمی برسیم و از آن به بعد به یاری روش تحلیل است که باید شروع به ساختن یک بنای معرفتی استوار کرد. این مقاله در پی آن است تا با و موضوع تحقیق قرار دادن شک در فلسفه دکارت و با نگاهی تحلیلی و فلسفی به آرا و آثار وی، ابعاد مختلف و شبکه‌ای را که دکارت در فلسفه خود بر محور نظریه شک تنیده است، مطرح می‌سازد. از این رو، به مؤلفه‌های متعدد در نظریه شک از قبیل تعریف، وجود، مراتب، اقسام... می‌پردازد نشان دهیم برخلاف آنچه رایج است شک، نه روش دکارت؛ بلکه راهکاری است که او آن را برای اعمال روش خود که همانا روش تحلیل است، در کار می‌آورد...

واژگان کلیدی: دکارت، مؤلفه‌های شک دکارتی، روش، شک